

# ایینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره پنجم  
آذر دی ماه ۱۴۰۳  
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و  
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۹

۲۰۹

دوماهنامه  
آینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره پنجم  
آذر دی ماه ۱۴۰۳

## Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.35, No.5 Dec 2024 - Jan 2025

A bi-monthly journal exclusively  
review & information dissemination

### 209

dedicated to book critique, book  
in the field of Islamic culture

چاپ نوشت (۱۶) | نسخه شناسی مصاحف قرآنی (۲۱) | کرامات و احوالات  
غریبه | امکان سنجی استفاده نفسییر عیاشی از کتاب القراءات سیاری |  
سفرنامه های به زبان اردو درباره ایران | آینه های شکسته (۶) | چند اطلاع  
تراثی درباره حیات علمی عالم و ادیب امامی | اشعار تازه یاب از شاعران  
دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر (۲) | برهان المسلمین | پیک  
معتمد | نامه ای از محقق طوسی و بحثی لغوی درباره یک عبارت |  
خراسانیات (۲) | یادداشت های لغوی و ادبی (۲) | نقد تصحیح دیوان امیر  
عارف چلبی | طومار (۸) | تکملة اللطائف و نزهة الطرائف (متنی فارسی از  
سده ۵ ق) | گشت و گذاری در «میراث ادیبان شیعه» | طلوع و غروب یک  
نشریه | نگاهی انتقادی به کتاب الفصوص فی علم النحو و تطبیق  
قواعدده علی النصوص | **نکته، حاشیه، یادداشت**

**پیوست آینه پژوهش | سبک کار مورخان حرفه ای در تاریخ نگاری اسلامی پیش از عصر تألیف**

مجید جلیسه | مرتضی کریمی نیا |  
رسول جعفریان | امیرحسین  
خوردوش | ایلا عبیدی | حیدر  
عیوضی | رسول جزینی | زقیه  
فراهانی | امیرحسین آقا محمدی |  
سید محمدحسین امید |  
امید حسینی نژاد | آریا طیب زاده |  
میلاد بیگلر | میرافشاری |  
میرافشاری | علی سیدعلی |  
ایمانی | پرینسا سیدعلی |  
مریم شیرازی | جواد آسنا | بهروز  
خرایی | آریا طیب زاده |  
سپهر رمضانپور | اصفهانی

پرتال  
دوماهنامه  
آینه پژوهش



Jap.isca.ac.ir

# نگاهی انتقادی به کتاب الفصوص فی علم النحو و تطبيق قواعدہ علی النصوص

دکترای علوم قرآن و حدیث | جواد آسه

| ۵۲۷-۵۳۹ |

چکیده: در حوزه علمیه خواران کتاب درسی نحوی الفصوص فی علم النحو در دو حلقه در حال نگارش است. حلقه اول آن منتشر شده و قرار است در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در سطح ۲ به عنوان اولین کتاب درسی نحوی برای نحوآموزان مبتدی تدریس شود. برای این کتاب سه هدف آشنایی طلاب با زبان تراث کهن شیعیه و فهم آن؛ کاستن از جمود و خشکی قواعد و درک و فهم بهتر قواعد با مثال‌های عینی تعریف شده است. اما ساختار و محتوای این کتاب سبب شده این سه هدف در نگارش آن محقق نشود. از اشکال‌های ساختاری این کتاب آن است که هر درسی با متن داستانی طولانی آغاز می‌شود و دربرگیرنده لغات سخت و قواعد نحوی ناآشنا برای نحوآموز مبتدی فارسی‌زبان است. این نحوآموز که مقدمات قرائت و درک متن را نیاموخته است، باید قبل از فراگیری قاعده نحوی هر درس، متن داستانی آن درس را قرائت کند و ترجمه و محتوای آن را فراگیرد و به تمریناتی که درباره محتوای متن است، پاسخ دهد. یعنی نویسنده کتاب در آموزش قواعد نحوی به نحوآموز مبتدی فارسی‌زبان، فراگیری قرائت صحیح متن و فهم و ترجمه آن و تسلط بر محتوای متن داستانی هر درس را بر آموزش قواعد نحوی آن که مقدم بر قرائت و فهم متن است، مقدم کرده است.

از اشکال‌های محتوایی این کتاب، ذکر نشدن برخی از مباحث مقدماتی و قواعد نحوی اساسی و تکرار است؛ برای نمونه در این کتاب از اسم، فعل و حرف سخن به میان نیامده است و از احکام آنها فقط به «اعراب» اشاره شده و از «بناء» و «معرفه و نکره» سخن گفته نشده است. به مصدر مؤول به سبب نپرداختن به موصول اشاره نشده است. از مجزومات و بالطبع از ادوات شرط و جمله و جواب شرط بحث نشده است.

کلیدواژه‌ها: نحوآموز، الفصوص فی علم النحو، راهنمای تدریس کتاب الفصوص، کتاب درسی نحوی، حوزه خواران.

A Critical Review of the Book *Al-Fuṣūṣ fi 'Ilm al-Naḥw wa Taṭbīq Qawā'idihī 'ala al-Nuṣūṣ*  
Jawad Aseh

**Abstract:** The book *Al-Fuṣūṣ fi 'Ilm al-Naḥw wa Taṭbīq Qawā'idihī 'ala al-Nuṣūṣ* is a grammar textbook currently being written in two parts for the seminaries dedicated to female students. The first part has already been published and is set to be taught at Level 2 as the introductory grammar textbook for beginners in the academic year 2024-2025. The book aims to achieve three main objectives: familiarizing students with the language of the classical Shia heritage and its comprehension, reducing the rigidity of Arabic grammar rules, and enhancing the understanding of these rules through practical examples. However, the book's structure and content have hindered the achievement of these goals. One of the structural issues of this book is that each lesson begins with an extended narrative text containing difficult vocabulary and unfamiliar grammatical rules for Persian-speaking beginners. These novice learners, who have not yet mastered reading and comprehending texts, are required to read, translate, and grasp the content of these stories before learning the corresponding grammatical rules.

۵۲۷

آینه پژوهش | ۲۰۹

سال ۳۵ | شماره ۵

آذر و دی ۱۴۰۳

Additionally, they must complete exercises related to the text's content. This approach prioritizes reading, understanding, and mastering the content of the narrative text over teaching the grammar rules, which should logically precede text comprehension. From a content perspective, the book omits several introductory topics and essential, widely-used grammatical rules. For instance, it does not cover the basic concepts of nouns, verbs, and particles. Among the rules, it only discusses *Irāb* (inflection) but neglects *Binā* (fixed forms) and concepts like definiteness and indefiniteness (*ma'rifa* and *nakirah*). Furthermore, the book fails to address the *masdar mu'awwal* (verbal noun) due to the absence of coverage on relative pronouns (*mausul*). Additionally, it lacks discussions on grammatical exceptions such as *majzūmāt* (verbs that take the jussive case), conditional tools, conditional sentences, and their responses.

**Keywords:** Nahw learners, *Al-Fuṣūṣ fī 'Ilm al-Naḥw wa Taḥbīq Qawā'idhibi 'ala al-Nuṣūṣ*, teaching guide for *Al-Fuṣūṣ*, grammar textbook, female seminaries.

## مقدمه

کیفیت آموزش در هر نظام آموزشی از جمله نظام آموزش حوزوی، با کیفیت کتاب درسی ارتباط وثیقی دارد. به هر میزان کتاب درسی دارای کیفیت بالایی باشد، کیفیت آموزشی ارتقا می‌یابد؛ در مقابل اگر کتاب‌های درسی دارای کیفیت ضعیفی باشند، آموزش آسیب می‌بیند و کارآمدی لازم را نخواهد داشت.

حوزه خواهران برای تدریس علم نحو در سطح ۲، به تازگی کتاب درسی نحوی الفصوص فی علم النحو و تطبیق قواعد علی النصوص و راهنمای تدریس آن با عنوان «راهنمای تدریس کتاب الفصوص» را تولید کرده است. این کتاب در دو حلقه ارائه می‌شود؛ در حلقه نخست، طلاب به اجمال با کلیات و مباحث مهم نحوی آشنا می‌شوند. در حلقه دوم هم با مباحث بیشتر و مفصل‌تر نحو آشنایی پیدا می‌کنند. علت نگارش کتاب این‌گونه بیان شده است که طلاب بعد از پایان دوره فراگیری ادبیات در درک و فهم متون ناتوان هستند؛ چراکه قواعد ادبی و دستور زبان بدون تطبیق بر متون آموزش داده می‌شود؛ بنابراین هدف از تألیف کتاب این است که اولاً طلاب با زبان تراث کهن شیعه و فهم آن آشنا شوند؛ ثانیاً از جمود و خشکی قواعد کاسته شود؛ ثالثاً با مثال‌های عینی که پیش‌روی آنان است، درک و فهم بهتری از قواعد پیدا کنند.<sup>۱</sup>

بر اساس سرفصل علم نحو در حوزه خواهران، این کتاب متن درسی آموزش علم نحو و هم‌عرض با کتاب نحو متوسطه ۱ و ۲ است و مدارس می‌توانند آموزش علم نحو را برای طلاب مبتدی با یکی از این دو کتاب آغاز کنند؛ یعنی طلاب خواهر آموزش نحو را با کتاب الفصوص فی علم النحو آغاز می‌کنند. حلقه اول این کتاب منتشر شده است و در این نوشتار از نظر ساختار و محتوا مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. نقد ساختاری

مراد از ساختار در کتاب درسی نحوی، مقدمه‌ها، عنوان‌ها و ترتیب آنها و نوع باب‌بندی نحوی است. کتاب الفصوص فی علم النحو دارای یک مقدمه و پنج فصل است. در

۱. محمد نادری؛ راهنمای تدریس کتاب الفصوص؛ ص ۷ و ۹.

مقدمه این کتاب مباحثی که بیان آنها باید مقدم داشته شود، در سه درس اول آورده شده است. درس اول درباره علم نحو و علت نیاز به آن، درس دوم درباره انواع اعراب و درس سوم درباره علایم اعراب است.

### نقد

اول: علم نحو از احوال کلم از نظر اعراب و بنا بحث می‌کند<sup>۱</sup> و مقصود اهم از علم نحو شناخت اعراب است که به سبب عقد و ترکیب در کلام به وجود می‌آید<sup>۲</sup> و اعراب در صورتی ایجاد می‌شود که کلمات بر اساس قواعد نحوی ترکیب شوند؛ از این رو علم نحو از ساخت متن بحث می‌کند<sup>۳</sup> و متن به جملات متوالی اطلاق می‌شود که بین آنها علاقه و ارتباط شکلی و دلالتی وجود دارد.<sup>۴</sup> بر این اساس برای ساخت متن باید با قاعده ساخت جمله در علم نحو و سپس شیوه به کارگیری آن در متن و تفاوت جمله در علم نحو و جمله در متن آشنا شد. اما در کتاب الفصوص فی علم النحو، درس‌ها با متن داستانی آغاز و قواعد نحوی پس از آن بیان شده است. برای نمونه در درس ششم، توضیح نحوی درباره جمله فعلیه و جمله اسمیه بعد از متن داستانی «عروس الحیاء» آورده شده است؛ بنابراین بر اساس این ساختار و ترتیب، آشنایی با جمله در متن بر آشنایی با جمله در علم نحو مقدم داشته شده است، در حالی که نحوآموز قبل از مهارت در یافتن جمله در متن، باید قواعد نحوی جمله و ساخت نحوی آن را در علم نحو فرا بگیرد.

دوم: در آموزش قواعد علم نحو به عرب‌زبانان و غیر عرب‌زبانان دو روش وجود دارد؛ الف) روش قیاسی (قاعده‌محور): به این ترتیب که نخست قاعده بیان می‌شود و سپس برای آن مثال آورده می‌گردد.<sup>۵</sup> ب) روش استقرایی (کشف قاعده): ابتدا متن یا مثال یا مثال‌هایی

### ۵۳۰

آینه پژوهش | ۲۰۹  
سال ۳۵ | شماره ۵  
آذر و دی ۱۴۰۳

۱. خالد بن عبدالله الازهری؛ شرح التصریح علی التوضیح؛ ج ۱، ص ۱۲.

۲. رضی‌الدین محمد بن حسن استرآبادی؛ الرضی علی الکافیة؛ ج ۱، ص ۳۱.

۳. عبدالعزیز بن عبدالرحمن الخثلان؛ «النحو العربی: بین مفهوم بناء النص و تحلیله»؛ ص ۶ - ۲۸.

۴. محمد خطابی؛ لسانیات النص مدخل الی انسجام الخطاب؛ ص ۱۳.

۵. کامل محمود نجم الدلیمی؛ اسالیب تدریس قواعد اللغة العربیة؛ ص ۷۹ - ۸۲. رضامراد صحرائی؛ زبان فارسی را چگونه آموزش دهیم؟؛ ص ۱۷۲. برای نمونه ر.ک: محمد بن عبدالله ابن مالک؛ شرح التسهیل؛ و نیز: رضی‌الدین الاسترآبادی؛ شرح الرضی علی الکافیة.

بیان می‌شود سپس بر اساس آن، قواعد توضیح داده می‌شود.<sup>۱</sup> در آموزش قواعد نحو باید از هر دو روش استفاده کرد.<sup>۲</sup> در استفاده از روش قاعده‌محور برای آموزش قواعد نحوی به عرب‌زبانان و غیرعرب‌زبانان تفاوتی وجود دارد که متن یا مثالی که برای غیرعرب‌زبان استفاده می‌شود، باید آسان و در سطح نحوآموز غیرعرب‌زبان از نظر نحوآموزی باشد تا او بتواند با آن متن یا مثال ارتباط ذهنی و معنایی برقرار کند و تا آنجا که امکان دارد، در متن یا مثال از واژگان سخت از نظر ادا و معنا و قواعد نحوی که فرانگرفته استفاده نشود.

در کتاب الفصوص فی علم النحو، فقط از روش کشف قاعده استفاده شده است؛ درحالی‌که این روش کشف قاعده، روشی است که بعد از فراگیری لغت، صرف، نحو و بلاغت برای آموزش قرائت، درک متن و تطبیق قواعد صرفی، نحوی و بلاغی به عرب‌زبانان و غیرعرب‌زبانان استفاده می‌شود. در این رویکرد، نخست متنی با موضوعات مختلف آورده می‌شود، سپس قرائت و معنا و پرسش‌هایی درباره محتوای این متن و نکات لغوی، صرفی، نحوی و بلاغی موجود در آن مطرح می‌گردد. در آموزش مکالمه عربی به غیرعرب‌زبانان نیز از این رویکرد استفاده می‌شود؛ اما با این تفاوت که موضوع و محتوای متن انتخاب شده علمی نیست و فقط برای فراگیری مکالمه است.

نویسنده کتاب الفصوص فی علم النحو، دلیل اتخاذ روش کشف قاعده در آموزش قواعد نحوی را عاجز بودن نحوآموزان در درک متون و انتزاعی بودن و تطبیقی نبودن آموزش قواعد ادبی و دستور زبان دانسته است.<sup>۳</sup> بر این اساس وی در این کتاب هم‌زمان سه هدف را دنبال می‌کند: ۱. طلاب با زبان تراث کهن شیعه و فهم آن آشنا شوند؛ ۲. از جمود و خشکی قواعد کاسته شود؛ ۳. با مثال‌های عینی پیش‌روی آنان، درک و فهم بهتری از قواعد پیدا کنند. حال آنکه این روش در آموزش قواعد نحوی برای عرب‌زبانان مفید است نه برای فارسی‌زبانان؛<sup>۴</sup> زیرا این کتاب، نخستین کتابی است که نحوآموز مبتدی فارسی‌زبان برای فراگیری قواعد نحوی در حوزه خواهران می‌خواند؛ حال آنکه قواعد

۱. کامل محمود نجم الدلمیمی؛ اسالیب تدریس قواعد اللغة العربية؛ ص ۸۲ - ۸۷. رضامراد صحرائی؛ زبان فارسی را چگونه آموزش دهیم؟؛ ص ۱۷۲. برای نمونه ر.ک: عباس حسن؛ النحو الوافی؛ و نیز: محمد عید؛ النحو المصنفی.  
۲. رضامراد صحرائی؛ زبان فارسی را چگونه آموزش دهیم؟؛ ص ۱۷۴.  
۳. محمد نادری؛ راهنمای تدریس کتاب الفصوص؛ ص ۷.  
۴. برای نمونه آموزش قواعد نحوی بر پایه نصوص، نک: عبدالوهاب بکیر و همکاران؛ النحو العربی من خلال النصوص.

نحوی در این کتاب، به زبان عربی و به اجمال بیان شده است و در متنی که در آغاز هر درس برای قرائت و فهم معنای آن آورده شده، قواعدی نحوی وجود دارد که نحوآموز نه به اجمال و نه به تفصیل آنها را فرانگرفته است و از نظر معنای واژگان و استفاده از کتاب‌های لغت نیز در سطحی نیست که بتواند متون را معنا کند؛ از این رو نحوآموز مبتدی فارسی‌زبان به سبب محقق نبودن مقدمات فهم متونی که در هر درس آورده شده، نمی‌تواند با این متون ارتباط ذهنی و معنایی برقرار کند. بنابراین این روش یعنی آوردن متن داستانی در هر درس، کمکی به نحوآموز مبتدی فارسی‌زبان در فراگیری قواعد نحوی نمی‌کند و اهداف سه‌گانه نویسنده کتاب الفصوص فی علم النحو (آموزش قواعد نحوی، تطبیق قواعد نحوی بر متون و درک متون) را برآورده نمی‌کند.

کتاب پنج فصل دارد؛ فصل اول درباره «اسماء» است و چهار باب دارد. باب اول درباره مرفوعات و دارای پنج درس است. باب دوم درباره منصوبات و هفت درس دارد. باب سوم درباره مجرورین و دارای دو درس است. باب چهارم درباره «توابع» و چهار درس دارد. فصل دوم درباره «افعال» و دارای سه درس است. فصل سوم درباره «حروف» و یک درس دارد. فصل چهارم درباره «جمل» و دو درس دارد. فصل پنجم درباره «شبه جمله» و دارای یک درس است.

## نقد

همان‌طور که بیان شد، مقصود مهم از علم نحو، شناخت اعراب و به تبع آن شناخت جمله و ساخت متن است. از آنجاکه عرب‌زبانان با ساخت جمله‌آشنایی دارند، اما در اعراب کلمات مشکل دارند، باب‌بندی بیشتر کتاب‌های نحوی که برای آموزش عرب‌زبانان نوشته شده است، بر اساس اعراب (مرفوعات، منصوبات، مجزومات و مجرورات) است؛ مانند کتاب اللمع فی العربیة اثر ابن جنی و شرح شذورالذهب فی معرفة کلام العرب اثر ابن هشام انصاری.<sup>۱</sup> اما چون غیر عرب‌زبانان<sup>۲</sup> از جمله فارسی‌زبانان هم در اعراب و هم در ساخت جمله مشکل دارند، در کتاب‌هایی که برای آموزش قواعد نحوی به فارسی‌زبانان نوشته می‌شود، باید از تبویب بر اساس جمله اسمیه و فعلیه

۵۳۲

آینه پژوهش | ۲۰۹  
سال ۳۵ | شماره ۵  
آذر و دی ۱۴۰۳

۱. حمیدة العونی؛ الأسس المنهجیة لتبویب النحو العربی؛ ص ۱۲۵ و ۱۲۸-۱۳۰.

۲. عمر یوسف عکاشة؛ النحو الغائب؛ ص ۱۰۱.

استفاده کرد؛ چراکه در این حالت نحوآموز فارسی زبان با فراگیری جمله اسمیه و فعلیه، الگوهای مختلف جمله در زبان عربی و اعراب کلمات و جملات را هم زمان فرامی‌گیرد؛ اما اگر تبویب بر اساس اعراب باشد، ساخت جمله اسمیه و فعلیه و الگوهای مختلف جمله در زبان عربی را فرامی‌گیرد، حتی در این حالت چون نحوآموز مبتدی فارسی زبان اعراب را در قالب جمله نمی‌آموزد، درک درستی از اعراب در زبان عربی به دست نخواهد آورد؛ از این رو نمی‌توانند درک درستی از متون پیدا کنند.

اساساً تبویب بر اساس جمله اسمیه و جمله فعلیه بر تبویب بر پایه اثر عامل یعنی اعراب (مرفوعات، منصوبات، مجزومات و مجرورات) ترجیح دارد و در کتاب‌های آموزش دانش نحو که نحوپژوهان معروف عرب در سالیان اخیر نوشته‌اند، از این تبویب پیروی شده است؛<sup>۱</sup> چراکه اولاً این نوع تبویب با غرض دانش نحو که ترکیب است مناسب است؛ ثانیاً از برخی اشکال‌ها در تبویب بر اساس اعراب مانند پراکندگی در اسم و خبر نواسخ فاصله می‌گیرد؛ ثالثاً در فهم دانش نحو مفید است؛ چون در این تبویب در «مقدمه»، به مقدمه ورود به احکام ترکیبی یعنی احکام کلمه از نظر اعراب و بنا و معرفه و نکره اشاره می‌شود،<sup>۲</sup> سپس در احکام ترکیبی به احکام شکل‌گیری جمله اسمیه و جمله فعلیه و مکملات آن دو پرداخته می‌شود.<sup>۳</sup> تبویب بر اساس جمله اسمیه و جمله فعلیه چارچوب ذهنی دقیقی از نظام دانش نحو فراروی نحوآموز قرار می‌دهد<sup>۴</sup> و نحوآموز می‌آموزد که در تحلیل یک جمله در آغاز سراغ اعراب مفردات جمله نرود، بلکه جمله (اسمیه و فعلیه) را معیار فهم قرار دهد و معنای عبارت «اعراب فرع معناست» را درک می‌کند و از اعراب زدگی فاصله می‌گیرد و به این نکته دست می‌یابد که اعراب یکی از قراین فهم جمله است<sup>۵</sup> نه، تنها قرینه آن. بر اساس آنچه درباره باب بندی در کتاب درسی نحوی فارسی‌زبانان بیان کردیم، در نقد فصل بندی کتاب الفصوص فی علم النحو باید گفت این فصل بندی نه تنها چارچوب ذهنی دقیقی از

۱. برای نمونه ر.ک: عباس حسن؛ النحو الوافی؛ و نیز: احمد مختار عمر؛ النحو الاساسی. محمد عید؛ النحو المصنفی. عبده الراجحی؛ التطبیق النحوی.

۲. ابراهیم بن موسی الشاطبی؛ المقاصد الشافیة فی شرح الخلاصة الکافیة؛ ج ۱، ص ۳۱.

۳. برای نمونه نک: صبری ابراهیم السید؛ الکافی فی النحو و تطبیقاته.

۴. حمیدة العونی؛ الأسس المنهجیة لتبویب النحو العربی؛ ص ۲۷۱-۲۷۲.

۵. محمد حماسة عبداللطیف؛ العلامة الاعرابیة فی الجملة بین القديم و الجدید؛ ص ۱۵.



نظام دانش نحو فراروی نحوآموز مبتدی فارسی زبان قرار نمی‌دهد، بلکه او را با ساخت جمله اسمیه و جمله فعلیه و الگوهای مختلف جمله در زبان عربی آشنا نمی‌کند؛ همچنین نویسنده کتاب درباره علت فصل بندی کتاب بر اساس اسماء، افعال، حروف و جمل و تبویب در فصل اول بر اساس مرفوعات، منصوبات و مجرورین بدون ذکر مجزومات، توضیحی نداده است.

در این کتاب هر درس با متن داستانی با عنوان «بین یدی النص» آغاز می‌شود و قاعده‌ای که قرار است در این درس آموزش داده شود، در متن به کار برده شده است<sup>۱</sup> و بعد از متن هر درس حتی در درس اول تا درس آخر، سه تمرین تکراری ذیل عنوان «تدریبات الفهم و الاستیعاب» آورده شده است. آن سه عنوان عبارت‌اند از:

۱. «رتب الكلمات فی کل سطر و کون جملة» یا «رتب الكلمات فی کل سطر لتصبح جملة كاملة»؛

۲. قل صحیح أو خطأ؛

۳. «ما الدرس الذی نتعلمه من القصة؟» یا «ماذا تستنتج من القصة؟» یا «ما الدرس المستفاد من القصة؟»

#### نقد

ساختاری که از درس اول تا درس آخر (درس ۲۹) رعایت شده، نشان می‌دهد این کتاب برای نحوآموزی نوشته شده است که یا عرب‌زبان یا فارسی‌زبان است؛ اما لغت، صرف و نحو خواننده است و اکنون آمادگی دارد که وارد متن خوانی و ترجمه متن و آشنایی با لغات و اصطلاحات جدید و تطبیق قواعد صرف و نحو بر متن شود؛ چراکه در این ساختار بعد از هر درس حتی درس اول از نحوآموز خواسته شده است سه تمرین پیش‌گفته را انجام دهد. نحوآموز در صورتی می‌تواند به این سه تمرین پاسخ دهد که متن داستانی را بخواند و ترجمه کند و بفهمد. نحوآموز برای خواندن، ترجمه و فهم متن هر درس باید اولاً جمله اسمیه و فعلیه را بشناسد؛ ثانیاً دارای ذخیره واژگانی خوبی باشد؛ ثالثاً قواعد نحوی و صرفی را بداند. حال آنکه نحوآموزی که قرار است این کتاب برای او تدریس شود، فارسی‌زبان است و قرار است

۱. محمد نادری؛ راهنمای تدریس کتاب الفصوص؛ ص ۸.

اولین گام در نحوآموزی را با خواندن این کتاب بردارد. ممکن است به این نقد این طور پاسخ داده شود که در این کتاب برای آموزش قواعد نحوی از روش کشف قاعده استفاده شده است؛ پاسخ این است که در این حالت اولاً متنی که آورده می شود، نباید متن طولانی و سخت و دارای لغاتی باشد که نحوآموز فارسی زبان معنای آن را نمی داند؛ ثانیاً در کتاب معادل لغات به کاررفته در کتاب نباید به عربی آورده شود؛ ثالثاً در متن نباید از قواعد نحوی به کار برده شود که نحوآموز فارسی زبان هنوز آن را نخوانده است؛ برای نمونه عنوان متن درس اول عبارت «انی لأستحیی من الہی» انتخاب شده است، حال آن که نحوآموز فارسی زبان با اعراب و ساختار این عبارت آشنا نیست و اگر در این کتاب آموزش قواعد نحو بر اساس کشف قاعده است، در متن و حتی عنوان متن هر درسی باید از قواعد نحوی ای استفاده شود که قرار است از آن قواعد نحوی بحث شود. در صورتی که در این کتاب قواعد اعراب و ساختار به کاررفته در عنوان متن درس اول در درس هفتم با عنوان «فی نواسخ المبتدأ والخبر (إن وأخواتها)» آمده است و عنوان متن داستانی درس هفتم «لقد حان الوقت» است و این عنوان هیچ ارتباطی با قواعد نواسخ مبتدا و خبر ندارد؛ رابعاً اگر آموزش قواعد نحو بر اساس کشف قاعده است، بعد از متن داستانی هر درس نباید از قواعد به کاررفته در متن و از معنا و محتوای آن متن پرسیده شود، بلکه باید بر اساس آن متن، قواعد نحوی توضیح داده شود؛ چراکه این کتاب برای نحوآموزان مبتدی نوشته شده است.<sup>۱</sup>

۵۳۵

آینہ پژوهش | ۲۰۹  
سال ۳۵ | شماره ۵  
آذر و دی ۱۴۰۳

در نتیجه ساختار استفاده شده در این کتاب برای نحوآموزان مبتدی فارسی زبان مناسب نیست؛ از این رو این کتاب از نظر ساختار نمی تواند اهداف سه گانه مدنظر در نگارش این کتاب را محقق کند؛ اهدافی که عبارت بود از آشنایی طلاب با زبان تراث کهن شیعه و فهم آن، کاستن از جمود و خشکی قواعد و درک و فهم بهتر قواعد با مثال های عینی.

## ۲. نقد محتوایی

بر اساس آنچه نویسنده کتاب الفصوص فی علم النحو و تطبیق قواعدہ علی النصوص در کتاب راهنمای تدریس کتاب الفصوص<sup>۲</sup> بیان می کند، این کتاب در دو حلقه

۱. محمد نادری؛ الفصوص فی علم النحو و تطبیق قواعدہ علی النصوص: الحلقة الأولى؛ ص ۲۰۵، خاتمة.

۲. محمد نادری؛ راهنمای تدریس کتاب الفصوص؛ ص ۷.

انتشار می‌یابد؛ در حلقه اول که منتشر شده است، نحوآموز به اجمال با کلیات و امهات مسائل نحوی آشنا می‌شود و در حلقه دوم با مباحث بیشتر و مفصل‌تری از نحو شناخت پیدا می‌کند.

نقد: اولاً نویسنده به طور مشخص و شفاف از علم نحو تعریفی به دست نداده است؛ ثانیاً مراد از این عبارت که گفته است «در حلقه اول کتاب نحوآموز به اجمال با کلیات و امهات مسائل نحوی آشنا می‌شود و در حلقه دوم با مباحث بیشتر و مفصل‌تری از نحو شناخت پیدا می‌کند» چیست؟ بیان کردیم در کتاب‌های نحوی قبل از ورود به احکام ترکیبی، به کلمه (اسم، فعل و حرف) و احکام آن از نظر اعراب و بنا و معرفه و نکره پرداخته می‌شود؛ اما در این کتاب از اسم، فعل و حرف سخن به میان نیامده است و از احکام آنها، فقط به «اعراب» به اجمال اشاره شده و از «بنا» و «معرفه و نکره» سخن گفته نشده است. نویسنده کتاب قبل از بحث از اعراب کلمه، باید از انواع کلمه سخن می‌گفت. دیگر آنکه نویسنده از بنا و معرفه و نکره بحث نکرده است؛ حال آنکه وی در درس ۲۶ با عنوان «فی الجمل التی لها محل من الاعراب» و در درس ۲۷ با عنوان «فی الجمل التی لیس لها محل من الاعراب» و در «تدریبات نحویة» این درس از «موصول» و «صله» استفاده کرده است. در حالی که او به قواعد «موصول و صله و عائد آن» اشاره نکرده است؛ چون در این کتاب از معرفه بحث نکرده است. بنابراین مراد نویسنده کتاب از حلقه اجمالی نباید حذف بعضی از قواعد نحوی باشد، بلکه مراد او در این حلقه باید پرداختن به همه قواعد اساسی و پرکاربرد در ساختن جمله اسمیه و فعلیه بسیط و بدون تفصیل باشد.

همان‌طور که توضیح داده شد، هر درسی با متن داستانی آغاز می‌شود. نویسنده کتاب از استاد می‌خواهد در تدریس هر درسی، یکی از طلاب این متن را بخواند و دیگری آنچه از متن فهمیده است، برای دیگران بیان کند. بعد از این استاد محتوای داستانی متن را خارج از متن کامل و دقیق شرح می‌دهد، سپس آنچه از محتوای متن که در خارج توضیح داده است، بر متن تطبیق می‌دهد. استاد متن را جمله به جمله قرائت و به طور تحت‌اللفظی ترجمه می‌کند و طلاب ترجمه را می‌نویسند. در جلسه بعد استاد قواعد نحوی که ذیل عنوان «وفقة مع القواعد النحویة» آمده است، به طور دسته‌بندی شده و

نموداری روی تخته توضیح می‌دهد. سپس توضیحاتی که درباره قواعد نحوی داده است، بر متن تطبیق می‌دهد؛ همچنین اگر وقت اجازه بدهد، قواعد نحوی بیان شده در فضای کارگاهی از متن داستانی استخراج شود.<sup>۱</sup>

**نقد:** اولاً این شیوه تدریس در آغاز فراگیری علم نحو برای طلابی مفید است که عرب زبان باشند نه فارسی‌زبان؛ چراکه نحوآموز فارسی‌زبان با این کتاب نحوآموزی را آغاز کرده است؛ از این رو نمی‌تواند متن را بخواند و بفهمد. بنابراین استاد باید متن را بخواند و ترجمه کند؛ ثانیاً در اولین مرحله آموزش علم نحو به فارسی‌زبانان، نباید آموزش را با خواندن متن و ترجمه آن آغاز کرد؛ چون نحوآموز فارسی‌زبان بیشتر قواعد نحوی و معنای لغات موجود در متن را نمی‌داند و خواندن متن و توضیح محتوای آن توسط یکی از فراگیران دستاوردی برای کلاس نخواهد داشت و وقت کلاس را به هدر خواهد داد. خواندن متن و ترجمه آن از جانب استاد بدون توضیح و شرح قواعد نحوی و تطبیق آن بر متن، کمکی به نحوآموز در فراگیری قواعد نحوی نخواهد کرد. بیان کردیم در آموزش علم نحو به غیرفارسی‌زبانان، دو روش قاعده‌محور (قیاسی) و کشف قاعده (استقرایی) وجود دارد. نویسنده کتاب از روش کشف قاعده استفاده کرده است؛ اما این روش یعنی آوردن متن علمی طولانی و سخت از متون کهن و یافتن قواعد نحوی توسط نحوآموز مبتدی از آن متن، ممکن است برای نحوآموز عرب‌زبان مفید باشد؛<sup>۲</sup> اما برای نحوآموز مبتدی فارسی‌زبان سخت و دشوار است. اساساً از متن طولانی و علمی و دارای لغات جدید برای مهارت در قرائت و درک متن و آشنایی با لغات جدید و تطبیق قواعد صرفی، نحوی و بلاغی بر متن استفاده می‌شود.<sup>۳</sup> بنابراین در آموزش قواعد نحوی به نحوآموز مبتدی فارسی‌زبان باید از جملات کوتاه، آسان و زودیاب استفاده کرد؛ از این رو این کتاب از نظر محتوا نیز نمی‌تواند اهداف سه‌گانه مدنظر در نگارش کتاب را محقق کند.

۱. محمد نادری؛ راهنمای تدریس کتاب الفصوص؛ ص ۱۲ (با تلخیص و ویرایش).

۲. چراکه در آموزش قواعد نحوی به نحوآموز مبتدی عرب‌زبان از متن طولانی و سخت کهن استفاده نمی‌شود؛ برای نمونه نک: عبدالوهاب بکیر و همکاران؛ النحو العربی من خلال النصوص.

۳. برای نمونه ر.ک: علی عبدالمنعم عبدالحمید؛ تطبیقات لغویة فی النحو و الصرف و البلاغة.

## نتیجه

کتاب درسی نحوی که برای نحوآموزان مبتدی عرب‌زبان نوشته می‌شود با کتاب درسی نحوی که برای نحوآموزان مبتدی فارسی‌زبان، از نظر شیوه و کیفیت نگارش متفاوت است؛ از این‌رو در نگارش کتاب درسی نحوی در حوزه برادران و خواهران برای نحوآموزان مبتدی فارسی‌زبان باید قواعد کلی زیر لحاظ و رعایت شود:

۱. در آموزش قواعد نحوی هر دو روش قاعده‌محور (قیاسی) و کشف قاعده (استقرایی) به کار برده شود؛ حال آنکه در الفصوص فقط از روش کشف قاعده (استقرایی) استفاده شده است.

۲. در استفاده از روش کشف قاعده (استقرایی) نباید از متن طولانی و دارای لغات و قواعد نحوی استفاده کرد که نحوآموز مبتدی فارسی‌زبان با آنها ناآشناست، بلکه باید از جملات کوتاه و روان و از نظر لغت و قواعد نحوی آسان و زودیاب استفاده کرد؛ حال آنکه این قاعده هم در الفصوص فی علم النحو رعایت نشده است.

۳. نباید در کتاب درسی نحوی نحوآموز مبتدی فارسی‌زبان، سه هدف آشنایی طلاب با زبان تراث کهن شیعه و فهم آن، کاستن از جمود و خشکی قواعد و درک و فهم بهتر قواعد با مثال‌های عینی هم‌زمان دنبال شود؛ درحالی‌که این قاعده در الفصوص فی علم النحو لحاظ شده است.

۴. باب‌بندی باید بر اساس جمله اسمیه و جمله فعلیه باشد نه اعراب؛ حال آنکه در الفصوص فی علم النحو بر اساس اعراب است.

۵. در کتاب درسی نحوآموزان مبتدی فارسی‌زبان همه مباحث مقدماتی و قواعد اساسی و پرکاربرد باید آورده شود و از تفصیل در بیان قواعد اجتناب گردد؛ اما در الفصوص تقریباً همه مباحث مقدماتی و برخی از قواعد اساسی و پرکاربرد بیان نشده است.

پیشنهاد می‌شود موضوع «اصول نگارش کتاب درسی نحوی برای فارسی‌زبانان» پژوهش شود.

## کتاب نامہ

- ابن مالک، محمد بن عبد اللہ؛ شرح التسهیل؛ [بی جا]: دار ہجر، ۱۹۹۰ م.
- الزہری، خالد بن عبد اللہ؛ شرح التصریح علی التوضیح؛ بیروت: دار الکتب العلمیہ، ۲۰۰۶ م.
- استرآبادی، رضی الدین محمد بن حسن؛ شرح الرضی علی الکافیہ؛ تصحیح و تعلیق: یوسف حسن عمر؛ [بی جا]: جامعہ قاریونس، ۱۹۷۸ م.
- بکیر، عبد الوہاب و همکاران؛ النحو العربی من خلال النصوص؛ تونس: الشركة التونسية للتوزيع، [بی تا].
- حسن، عباس؛ النحو الوافی؛ قاہرہ: دارالمعارف، [بی تا].
- الختلان، عبدالعزیز بن عبدالرحمن؛ «النحو العربی: بین مفہوم بناء النص و تحليله»؛ مجلہ الدراسات اللغویة و الادبیة، ش ۱، ۲۰۱۷ م، ص ۶-۲۸.
- خطابی، محمد؛ لسانیات النص مدخل الی انسجام الخطاب؛ ج ۲، مغرب: المركز الثقافی العربی، ۲۰۰۶ م.
- الراجحی، عبدہ؛ التطبيق النحوی؛ قاہرہ: دارالمعرفة الجامعیة، ۲۰۰۰ م.
- الشاطبی، ابراہیم بن موسی؛ المقاصد الشافیة فی شرح الخلاصة الکافیة؛ ریاض: جامعہ ام القری مکة المکرمة، ۲۰۰۷ م.
- صبری، ابراہیم السید؛ الکافی فی النحو و تطبیقاتہ؛ قاہرہ: مکتبة الآداب، ۲۰۱۵ م.
- صحرائی، رضا مراد؛ زبان فارسی را چگونہ آموزش دہیم؟؛ تہران: نویسہ پارسی، ۱۳۹۹.
- عبد الحمید، علی عبد المنعم؛ تطبیقات لغویة فی النحو و الصرف و البلاغۃ؛ بیروت: ناشرون، ۱۹۹۷ م.
- عبد اللطیف، محمد حماسۃ؛ العلامۃ الاعرابیة فی الجملة بین القديم و الجدید؛ کویت: مکتبة أم القری، ۱۹۸۴ م.
- عکاشۃ، عمر یوسف؛ النحو الغائب؛ اردن: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر، ۲۰۰۳ م.
- العونی، حمیدۃ؛ الأسس المنهجیة لتبویب النحو العربی؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۱۵ م.
- عید، محمد؛ النحو المصنفی؛ قاہرہ: عالم الکتب، ۲۰۰۹ م.
- محمود نجم الدلیمی، کامل؛ اسالیب تدریس قواعد اللغة العربیة؛ اردن: دار المناهج للنشر و التوزیع، ۲۰۱۳ م.
- مختار عمر، احمد؛ النحو الاساسی؛ ج ۴، کویت: ذات السلاسل، ۱۹۹۴ م.
- نادری، محمد؛ الفصوص فی علم النحو و تطبیق قواعدہ علی النصوص: الحلقة الاولى، چاپ اول، قم: مرکز نشر ہاجر، ۱۴۰۲.
- \_\_\_\_\_؛ راہنمای تدریس کتاب الفصوص؛ قم: مرکز نشر ہاجر، ۱۴۰۲.